

مقایسه اجمالی داستان حی بن یقظان از ابن طفیل و ابن سینا و شیخ اشراق

رضا ملک شاهکوهی*

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران

مقدمه :

داستان حی بن یقظان، ابن سینا و ابن طفیل اندلسی (۵۸۱) به زبان عربی و ترجمه^۱ فلسفی شیخ شهاب الدین سهروردی به زبان فارسی با نام قصه الغریبه الغریبه می باشد. همچنین نورالدین عبدالرحمن جامی نیز این داستان را با نام سلامان و ايسال به نظم در آورده است.

در شرح حال شیخ مستور است که این رساله را در قلعه فرد جان تصنیف کرده است بنابراین باید تاریخ تالیف آن ۴۱۴ باشد.

استاد بزرگ بدیع الزمان فروزانفر ترجمه هایی عالمانه از حی بن یقظان، ابن سینا و ابن طفیل داراست. استاد فروزانفر ترجمه اش را با نام ((زنده بیدار)) بنگاه ترجمه و نشر کتاب سال ۱۳۴۳ به چاپ رسانیده اند.

ابن سینا قبل از ابن طفیل این داستان را در کتاب الاشارات و التنبیها خود آورده است و در آنجا دو شخصیت به نام سلامان و ايسال محور اصلی داستان قرار گرفته اند. در این مورد که آیا منبع ابن سینا در این داستان ابن طفیل بوده است یا نه صحت و سقمی وجود ندارد. البته بعضی از مستشرقین از جمله مرحوم احمد امین معتقدند که ماخذ ابن طفیل ((قصه ذی القرنین و حکایه الصنم و الملک و ابته)) می باشد.

نیکویی وی پرده نیکویی وی است و پدید آمدن وی سبب ناپدید وی است و آشکار شدن وی سبب پنهان شدن وی است. چنان که آفتاب اگر چه اندکی پنهان شد بسیار آشکارا و چون سخت پیدا شد اندر پرده شد. پس روشنی وی است.

”قصه زنده بیدار“ ابن سینا

*آدرس : گرگان-خیابان صنایع دستی-ساختمان یلدا-شماره ۷

تلفن : ۰۱۷۱۲۲۵۵۴۶۵

مقایسه:

داستان ابن سینا به استحکام و استواری داستان ابن طفیل و سهروردی نمی رسد. البته آندو در معنی و مفهوم چیز تازه تری از ابن سینا نگفته اند ولی ساختار داستانی آنان کاملتر و زیباتر است. بحث از عقل فعال یا روح قدسی که سراسر داستان را به خود اختصاص داده است از جمله مباحث فلسفی قدیمی است که در آثار مختلفی تکرار شده اند.

روشی که در طرح مباحث فلسفی در این داستان به پیش گرفته شده است نشان توجه ابتدایی انسانها به این مسائل حتی در زمانهای بسیار دور می باشد. اگر خواننده این داستان اطلاعات بسیار کمی هم در مورد مسائل عقلی داشته باشد با حرکت در سیر صعودی این داستان به راحتی می تواند این علم را بیاموزد.

ابن طفیل در این داستان حسن سلیقه بیشتری در طرح مباحث خود به کار گرفته است. در ابتدا از امور محسوس و نزدیک به امور بشری سخن به میان می آورد و به تدریج از این مباحث حسی به مباحث کلی اجسام و علوم طبیعی حرکت می کند و در ادامه مباحث روانشناسی و علم الهی را به زیبایی به جلوه در می آورد.

مطالب این کتاب در تمام کتب فلسفه به خصوص در آثار و مولفات ابن سینا و در رسائل اخوان الصفا آورده شده است. تفاوتی موجود در این داستانها در طرز بیان و نظم کلی آنهاست به حدی که این رساله رنگی تازه تر و نوتر به خود گرفته است. به هر حال می توان گفت غرض همه آنها از این حکایت جمع کردن حکمت و شریعت در قالب یک داستان بوده است.

این داستان خیالی با روشی فلسفی در پی جستجوی حقیقت است. اگر بخواهیم کمی عناصر داستان را تغییر بدهیم راه کشف حقیقت برایمان روشنتر خواهد شد. مثلاً اگر بخواهیم به جای واژه حی بن یقظان عقل را بگذاریم و به جای جزیره دور زمینی را که در آن زندگی می کنیم را قرار بدهیم دیگر اثری از تخیل باقی نخواهد ماند. در این داستان عقل راههای شناخت را مرحله به مرحله می پیماید و از نردبان فلسفه بالا می رود تا خداوند و حقیقت و نیکی و زیبایی را بشناسد.

شیخ اشراق نیز چنانکه خود در کتاب مصنفات جلد ۲ صفحه ۲۷۵ آورده است سخنان حکیمان بزرگ و فلاسفه الهی را همه بر رمز و تمثیل می داند.

وی درباره قصه الغریبه الغریبه معتقد است که تقلیدی است از حی بن یقظان و می گوید: ((چون قصه حی بن یقظان را که مشحون از سخنان روحانی بود بخواندم آنرا مالمال از اشارات الهیه یافتیم که حکایت از طور اعظم و طامه الکبری دارد که در کتب الهیه مخزون و در رموز حکیمان به ودیعت نهاده شده است (مانند داستان سلامان و ابسال) لذا بر آن شدم که به روش داستان تمثیلی حی بن یقظان رساله ای به نام قصه الغریبه الغریبه بنگارم.ⁱ داستان سهروردی می تواند به عنوان تنمیه ای بر داستان ابن سینا باشد.

در کتاب ((داستان ایمان)) اثر شیخ ندیم جسر در فصل ((از وحی تا وحی)) به بررسی داستان حی بن یقظان می پردازد و گفتار تحلیلی خود را بر اساس داستان ابن طفیل می آورد، در آنجا آراء ابن طفیل را در مورد این داستان چنین متذکر می شود:

الف: مرحله شناخت از محسوسات جزئی تا افکار کلی

ب: درک و اثبات خداوند از راه آثار خدا در مخلوقاتش و اقامه برهانهای صحیح

ج: عقل در مسیر استدلال در برخورد با ازلیت مطلق و عدم مطلق و تناهی و قدم و حدوث دچار سردرگمی می شود

د: برای عقل عالم حدوث و قدم بر ی‌کدیگر برتری ندارند

ه: انسان با عقل می تواند پایه های فضایل و اصول اخلاق عملی و اجتماعی را درک کند

و: هر آنچه عقل سالم در مورد حقایق و نیکیها و زیباییهایی که شریعت اسلام بدانها امر می - کند با هم مطابقت دارند

ز: روش شرع سخن گفتن با مردم در حد قوه درک عقلهای بشری و فاش نکردن حقایق حکمت می باشدⁱⁱ

اگر بخواهیم تحلیل کلی از هر سه داستان داشته باشیم، اگرچه هر سه آنها دارای یک هدف فلسفی مشخص می باشند (و آن هم طی طریق فیلسوفانه برای شناخت خدا و عقل فعال است)

ولی از جنبه ادبی داستانها باید گفت که داستان ابن طفیل خواننده را راحتتر و آسانتر به سرمنزل مقصود می رساند. خواننده در این داستان گویی بر کشتی فلسفه در رودخانه ای آرام و پر آب از مباحث فلسفی سوار است تا اینکه به دریای مقصود خود که همان بحر شناخت خداست می رسد.

ابن طفیل با بکار گرفتن نمونه هایی از اساطیر و داستانهای گذشته و با آوردن شخصیت های خیالی داستان را برای خواننده جالبتر و زیباتر جلوه گر می نماید. مکان وقوع داستان بسیار حساب شده انتخاب شده است چرا که در تفاسیر مختلف قرآنی محل فروافتادن حضرت آدم را بر زمین در یکی از جزایر هندوستان ذکر کرده اند. وقتی که حی بن یقظان به دنیا می آید مادرش از ترس برادر فرزند را در تابوتی به آب می افکند؛ این قسمت داستان هم یاد آور داستان حضرت موسی با فرعون می باشد که مادر موسی از ترس فرعون او را در صندوقچه ای به رود نیل می سپارد. وجود ماده آهو خود می تواند یاد آور داستان فریدون در شاهنامه و تغذیه او از شیر گاوی به نام برمایه باشد که می توان ارتباطی هرچند جزئی بین این دو داستان برقرار کرد.

ابن طفیل در جای جای داستان خود در ضمن بیان مباحث فلسفی اشاراتی هم به آیات قرآنی دارد.

سرنوشت نهایی داستان به دست اِیسال است. اوست که به داستان پایانی جالبتر و زیباتر می دهد. اِیسال و حی بن یقظان مکمل همدیگر می باشند. حی نیازمند به فراگیری زبان بود تا بتواند با هموعان خود رابطه برقرار کند و اِیسال هم نیازمند کاملتر کردن علم خود در این مرحله بود. روش کاری هر دو یکسان بود. هر دو طرفدار گوشه گیری و عزلت و تنهایی بودند و راه رسیدن به مطلوب نهایی (شناخت خدا) را در آن می یافتند. اِیسال برای مقابله با سلامان که عقیده ای مخالف با او داشت (سلامان معتقد بود که راه رسیدن به مرحله شناخت خدا با اجتماع و در میان نردم بودن میسر می شود) نیازمند فردی چون حی بود تا بتواند علم و قدرت خود را به آن درجه ای برساند که به سلامان بفهماند که راه رسیدن به سر منزل مقصود را اشتباه انتخاب کرده است. اِیسال حی را به مردمان قبیله سلامان معرفی می کند و از آنان می خواهد تا به سخنان حی گوش فرا دهند. اگرچه آنان ظاهراً به پای سخنان حی می نشستند اما در باطن امر عقاید حی و اِیسال را قبول نکردند. حی و اِیسال جایی برای ارائه عقاید خود در بین مردمان قبیله سلامان نیافتند لذا هر دو به جزیره قبلی بازگشتند و به ادامه زندگی خود با روش عزلت گرایانه پرداختند.

به طور کل می توان گفت که داستان ابن طفیل تمام ویژگیهای یک داستان خوب را در حد و اندازه های آن زمان برای خود دارا بوده است.

خود این داستان نشان دهنده آگاهی و بینش بالای ابن طفیل در تمام زمینه های علمی آن دوره من جمله الهیات و حکمت و هیأت و طب و ادبیات می باشد.

در داستان ابن سینا شخصیت اول داستان پیری است که جوانی خواهان همصحبتی با اوست. دیالوگهای داستان منحصراً بین این دو نفر می باشد.

مباحث فلسفی ارائه شده در این داستان در ضمن نصیحتهایی که پیر به آن جوان می گوید ارائه می شود. پیر با قدرت روحی و معنوی که دارد پرده شخصیتی دوستان آن جوان را برایش می گشاید. جوان راه رسیدن به کمالاتی که پیر آنها را کسب کرده در سیر و سیاحت می یابد. لذا خواهان همسفری در سیر و سیاحت با پیر می باشد. پیر برای آماده کردن و آگاه ساختن جوان از اتفاقاتی که در طی سفرهایش برای او اتفاق افتاده، داستانهایی از حدود شرق و غرب عالم برای او متذکر می شود. پیر در ضمن این داستانهها مباحث فلسفی خود را بیان می دارد و در آخر در صورتی حاضر به همسفری با جوان می شود که مباحث و گفته هایش او را بیدار کرده باشد.

در داستان سهروردی با نام قصه غربت غربی تخیل با کمی اغراق همراه است. با آنکه داستان سهروردی کوتاهتر است مضامینش بسیار تخیلی تر از داستان ابن سینا و ابن طفیل است. عناصری چون هدهد، یاجوج و ماجوج، عاد و ثمود، افلاک و بروج، ماهی و طور سینا، چشمه حیات و صومعه، زندان و چاه قیروان و ... همه عناصری نمادین و سمبولیک از مباحث فلسفی اند.

در این داستان خواننده با مسافری به سرزمین مغرب همراه است. گرفتاری آنها و زندانی - شدنشان در چاه قیروان و نجات آنها توسط پدرشان هادی ابن الخیر یمانی و ادامه سفر به کوه یاجوج و ماجوج و سفر به افلاک و بروج و همصحبتی با آنها و رسیدن به چشمه زندگی و سرانجام رسیدن به طور سینا با راهنمایی ماهی که به گفته پدر از همانندان آنها می باشد و بشارت مجدد پدر به زندان غربی و سرانجام بازگشت به بهشت و رهایی از بند طبیعت و هیولا سیر و سفری است که خواننده با مسافر این داستان همراه است.

نتیجه:

نتیجه کلی که از این داستان می توان گرفت را می توان چنین متذکر شد:

الف: ابن سینا در طرح مباحث فلسفی به شکل داستان مقدم بر هموعان خود بوده است.

ب: ابن طفیل چیزی تازه و نویسی در مباحث فلسفی نگفته؛ هر آنچه گفته شده در کتب و رسائل فلسفی گذشته موجود بوده است.

ج: اگرچه مباحث در شکل‌های مختلفی بیان شده اما هدف همه آنها در نهایت رسیدن به شناخت خدا و عقل فعال می باشد و هر سه داستان جمع بندیی کلی بین حکمت و شریعت بوده است.

د: ساختار داستانی ابن طفیل کاملتر و زیباتر از ابن سینا و سهروردی می باشد.

و: مایه های تخیل در داستان سهروردی عمیق تر و متفاوت تر از دو داستان دیگر است.

منابع و مأخذ:

۱. دایره المعارف اسلامی ذیل ابن سینا
۲. لغت نامه دهخدا ذیل ابن سینا
۳. شیخ ندیم جسر، داستان ایمان، فصل از وحی تا وحی صفحه ۸۷
۴. دایره المعارف فارسی ذیل حی بن یقظان
۵. بدیع الزمان فروزانفر، ترجمه زنده بیدار حی بن یقظان
۶. سجادی، سید جعفر، شرح رسائل سهروردی، بررسی رمزیات سهروردی صفحه ۲۶
۷. مدرس صادقی، جعفر، قصه های شیخ اشراق نشر مرکز ۱۳۷۵

ⁱ سجادی، سید جعفر، بررسی رمزیات سهروردی

ⁱⁱ شیخ ندیم جسر، داستان ایمان، فصل از وحی تا وحی صفحه ۸۲